



علامه طهرانی: «لمعات الحسین» بهترین کتاب من است

مرحوم علامه طهرانی می‌گوید: بهترین کتاب من «لمعات الحسین» است؛ کتابی که عین عبارات سیدالشهداء(ع) را آورده و ترجمه کرده‌ام و به رفقا می‌گویم که کلمات آن را قاب کنید و همیشه در جلوی چشمانتان داشته باشید.

مرحوم علامه طهرانی می‌گوید: بهترین کتاب من «لمعات الحسین» است؛ کتابی که عین عبارات سیدالشهداء(ع) را آورده و ترجمه کرده‌ام و به رفقا می‌گویم که کلمات آن را قاب کنید و همیشه در جلوی چشمانتان داشته باشید. به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، مرحوم علامه آیت‌الله حاج سید محمدحسین حسینی طهرانی از عرفا و مجتهدان معاصر است که از وی بالغ بر 50 جلد کتاب به یادگار مانده است.

این استاد وارسته در پاسخ به اینکه کدام یک از کتاب‌هایش در نظرش بهتر است، می‌گوید: «بهترین کتاب من لمعات الحسین است؛ کتابی که عین عبارات سیدالشهداء(ع) را آورده و آن را ترجمه کردم و علت اینکه به رفقا می‌گویم که کلمات آن را قاب کنید این است که شما کلمات یک امام معصوم را همیشه در جلوی چشمانتان داشته باشید...»

* لزوم حفظ و ثبت کلمات معصومان

علامه حسینی طهرانی در مقدمه کتاب «لمعات الحسین(ع)» آورده است:

«از حضرت سید الشهداء علیه السلام اندکی از خطب و مواعظ رسیده که معلم درس آزادگی و فرزاندگی و ایمان و ایقان است؛ و معلوم است که از مصدر ولایت ترشح شده است که: و إنا لأمراءُ الکلام، و فینا تتشَبَّعُ عُرُوقُهُ، و علینا تَهْدَلْتُ غُصُونُهُ. «و به درستی که ما آفرینندگان و خلاقان و امیران گفتار هستیم؛ عروق و ریشه‌های سخن گفتن، در ما پنجه افکنده و ثابت شده و رشد کرده، و شاخه‌هایش نیز در خانه ما آویزان و سرازیر شده است.»

بنابراین، آنان دارای اصل و فرع کلام، که نماینده اصول و فروع از معانی و حقایق است، هستند و چه خوب بود فرمایشات آن حضرت که حاوی یک دنیا عزت، شرف، سربلندی، استقلال، ایمان، ایقان، صبر، ثبات، فتوّت و جوانمردی است، در روی تابلوها و پرده‌هایی با ترجمه شیرین و شیوای آن نوشته و مانند اشعار محتشم در مجالس عزاداری و تکایا نصب می‌شد تا واردین و شرکت کنندگان در مجلس، در عین استفاده سمعی از خطبا و گویندگان راستین؛ استفاده بصری نیز نموده، و عین آن کلمات را حفظ و سرمشق زندگی و عمل خود قرار می‌دادند.

جزوهای که فعلاً از نظر خوانندگان ارجمند می‌گذرد، عین برخی از کلمات حضرت سید الشهداء علیه السلام است که این حقیر با ذکر مدارک، از کتب معتبره نقل کرده؛ و فقط به ترجمه آن اکتفا شده است، و از شرح و بسط خودداری شده؛ تا آنکه به واسطه ایجاز و اختصار، قابل آن باشد که بر روی پرده‌ها و تابلوها نوشته شده و در مجالس و محافل، در مرآی و منظر حاضران قرار گیرد، و در عین حال به واسطه سادگی قابل استفاده عموم برادران دینی بوده باشد.

از طلاب علوم دینیّه و دانشجویان متعهد، مترقب است که عین کلمات و خطب را حفظ کنند و با خطبه‌ها و سخنرانی‌های خود، اذهان عامّه مردم را به لمعات پر فروغ انوار ساطعه حسین علیه السلام روشن کنند؛ و این میراث پر مایه را که از مداد علماء و دماء شهداء سلف به ما رسیده است، به نسل خلف انتقال دهند. شَكَرُ اللَّهِ مَسَاعِيَهُمُ الْجَمِيلَةَ و زَادَهُمُ إِيْمَانًا و تَقْوَى و عِلْمًا و عَمَلًا.»

و کتاب لمعات الحسین با ذکر سروده‌ای از علامه طهرانی در مدح و رثای حضرت اباعبدالله علیه السلام پایان می‌یابد: بیت آغازین و پایانی ذکر شده است:

نور خدا آیینه حق نما/ نور هدی نور حسین است و بس

آنکه سرود این درر پاک را/ خاک سر کوی حسین است و بس

علامه طهرانی در کتاب روح مجرد می‌نویسد: در میان طلاب و فضلا و علمای نجف اشرف این قاعده برقرار است که در ایام زیارتی مخصوص حضرت مولی الکونین اُبی عبد الله الحسین سید الشهداء علیه السلام، مانند زیارت عرفه و زیارت اربعین و زیارت نیمه شعبان، پیاده از نجف اشرف به کربلای معلی مشرف می‌شوند؛ یا از جاده مستقیم بیابانی که سیزده فرسخ است، و یا از جاده کنار شط فرات که هجده فرسخ است.

جاده بیابانی خشک و بی آب و علف است، ولی مسافری زودتر می‌رسند و یک روزه و یا دو روزه راه را طی می‌کنند؛ اما جاده کنار شط، جاده ماشین‌رو نیست، بلکه جاده پیاده‌رو و مال‌رو است و انحراف نیز دارد ولی در عوض سر سبز و خرم است و از زیر درخت‌های خرما و نخلستان‌ها عبور می‌کند، و در هر چند فرسخی یک خان و مُصیف خانه وسیع (مهمانخانه ساخته شده از حصیر متعلق به شیوخ اعراب که در آنجا تمام واردین را به طور مجانی هر چقدر که بمانند پذیرایی می‌کنند) وجود دارد که طلاب روزها را تا به شب راه می‌روند و شب‌ها را در آنجا بیتوته می‌کنند، و معمولاً سفرشان از راه آب که این راه است دو روز و یا سه روز طول می‌کشد.

حقیر را در مدت اقامت هفت ساله در نجف اشرف جز دو بار توفیق تشرف پیاده به کربلا دست نداد؛ چون مرحومه والده در قید حیات بود، اگرچه از رفتن ممانعت نمی‌نمود ولی چون حقیر در ایشان آثار اضطراب می‌دیدم، خودم داوطلب برای راه پیاده نمی‌شدم. تا یکی دو سال مانده به آخرین زمانی که در نجف بودیم، دیدم در مادرم آن اضطراب به واسطه آشنایی با خانواده‌های نجفی تا اندازه‌ای پایین آمده است، بنابراین ایشان را با بعضی از مسافران و زائران ایرانی که بر ما وارد بودند، قبلاً به کربلا روانه ساختیم و سپس خود با رفقا به راه افتادیم. در هر دو سفر، حقیر در معیت حضرت آیت‌الله حاج شیخ عباس قوچانی بودم.

این استاد فرزانه در کتاب «آیین رستگاری« کیفیت زیارت امام معصوم(ع) را چنین بیان می‌کند: «من که آمدم مشهد مقدس، ابتدا دنبال منزل گشتم، گفتم یک جایی باشد که بتوانیم هر روز پیاده حرم مشرف شوم و برگردم، چون اصلاً نزدیک قبر حضرت بودن و به خصوص پیاده رفتن، این خوب است! و الا انسان برای زیارت، سوار تاکسی شده، برود و برگردد، اینکه خوب نیست.

برای زیارت امام انسان پیاده می‌رود، زیارت امام حسین علیه السلام پیاده می‌رود، مکه پیاده می‌رفتند، پا برهنه می‌رفتند! چون آنجا مشاهد مکرمه است و مشاهد معظمه است و قبر امام از کعبه کمتر نیست، بلکه حقیقت کعبه است و روح کعبه است.»